

## مقایسه تطبیقی الگوی مدیریت شهری در کشورهای ایران، ترکیه و مالزی و کره جنوبی با تأکید بر چالش‌های مدیریت شهری در ایران

### چکیده

تجربیات مدیریت شهری در ایران حاکی از آن است که فرایند مدیریت از بالا به پایین و غالباً بر مبنای الگوهای مدیریتی برون‌زا پیش رفته است. به طور کلی الگوی مدیریت شهری، نظام سیاسی کلان یک کشور و قوانین آن می‌تواند اثر قابل توجهی در نوع حکومت‌های محلی و قدرت نهادهای مدیریت شهری داشته باشد. هدف از این پژوهش بررسی تطبیقی تجارب مدیریت شهری در کشورهایی با الگوی مشابه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است. بر همین اساس دو کشور ترکیه و مالزی به لحاظ قرابت فرهنگی و سیاسی و کشور کره جنوبی به دلیل تقارن آغاز توسعه اقتصادی با ایران، انتخاب شده اند. روش این پژوهش تحلیل محتوای کیفی و بر مبنای رویکرد قیاسی انتخاب شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد به طور کلی هدف کلان مدیریت شهری در سه کشور مالزی، ترکیه و کره جنوبی، پیشبرد امورات شهری با دموکراسی حداکثری از طریق مشارکت شهروندان چه در بُعد انتخاب و چه در بُعد نظارتی است. بنابراین می‌توان گفت ساختار قدرت در این کشورها به صورت دوسویه اعمال می‌گردد؛ به طوری‌که نظام قدرت در عرصه مدیریت شهری نه تنها دارای توانائی کنش و عمل‌گری، بلکه دارای حق واکنش و مطالبه‌گری نیز هست. چنین توانائی متکی به رضایت کسانی است که قدرت بر آنها اعمال می‌شود و به رابطه دوطرفه مردم و حاکمان قدرت وابسته است. این در حالی است که مدیریت شهری در ایران همواره امری یک‌سویه تعریف شده و علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته به منظور افزایش مشارکت شهروندان و ورود نهادهای انتخابی و نظارتی مانند شورای شهر، کماکان نگاه سلسله‌مراتبی به قدرت در عرصه مدیریت شهری به چشم می‌خورد. به نظر می‌رسد تغییر رویکرد یک سویه و بالا به پایین به الگوی تعامل دوسویه و شبکه‌ای میان شهروندان و نهادهای حکومتی و مدیریتی در ایران، نیازمند تثبیت اندیشه برنامه‌ریزی همکارانه و مشارکتی میان شهروندان و نهادهای قدرت است.

**کلمات کلیدی:** مدیریت شهری، بررسی تطبیقی، قدرت، مشارکت

## 1- مقدمه

مدیریت شهری یک مفهوم فراگیر است که هدف آن تقویت سازمان‌های دولتی و غیردولتی برای شناسایی برنامه‌ها و سیاست‌های گوناگون و پیاده‌سازی آن‌ها با نتایج بهینه است (ترابی، 1383: 5). شهرها نیز به‌عنوان ارگانیزم زنده و سیستمی پویا در فرآیند توسعه جوامع بشری، در فرآیند رشد خود تغییرات عمده‌ای را متحمل شده‌اند (ملازاده و روستایی، 1388: 7). برنامه‌ریزان شهری نیز نسبت به این تغییرات بی‌تفاوت نبوده‌اند و عرصه‌های مختلفی از مدیریت شهری را به وجود آوردند. در عصر حاضر با توجه به توسعه کمی و کیفی شهرها، یکی از نهادهای بسیار مهمی که نقش بسزایی در اداره و خدمات‌رسانی شهرها داشته و هرروز نقش آن‌ها در اداره و مدیریت شهری و تأمین نیازها و توسعه شهری پررنگ‌تر می‌شود، شهرداری است (محمودی خوشرو، 1389: 104). ایجاد سازمانی به نام شهرداری، عالی‌ترین تدبیری بود که از طرف دنیای متمدن برای پاسخگویی به نیازمندی‌ها و توقعات بیشتر ساکنان شهرها به‌کاربرده شد (حکمت‌نیا و موسوی، 1386: 182). مدیریت شهری در ایران در رابطه متقابل و ارگانیک با برنامه‌ریزی شهری نیست. حال آنکه این دو باید در پیوند و تأثیرگذاری مداوم از یکدیگر باشند. متأسفانه در کشور ما، مدیریت شهری تحت تأثیر تعیین‌کننده ساختارهای کلان و محیط قرار دارد که حاصل عقب‌ماندگی «شهرگرایی» از «شهرنشینی» و پیشی گرفتن «رشد» از «توسعه» شهری، و عدم تشکیل جامعه مدنی است. اکثر اقدامات مدیریت شهری و قریب به‌اتفاق برنامه‌ریزی شهری در دهه گذشته، از بالا و از بیرون برای اجتماعات شهری انجام شده که اکنون نیاز به حرکتی از پایین و از درون، برای خودی و بومی شدن آن‌هاست (صرافی، 1379: 75). بررسی انواع الگوهای مدیریت شهری و روش‌های مشارکت مردم در کشورهای مختلف مبین تنوع مدل‌های مدیریت شهری در هر یک از کشورهاست. اگرچه الگوی مدیریت شهری و منشور شهروندی هر کشور، وابسته به اصول کلان سیاسی و اقتصادی آن کشور است اما در عین حال، مرور و بررسی تطبیقی این الگوها، می‌تواند نقش موثری در اصلاح نقاط ضعف و کم کردن از تهدیدهای پیش‌رو در این عرصه داشته باشد. پژوهش پیش‌رو در گام اول با بهره بردن از رویکرد قیاسی به مرور مختصری از اصول مدیریت شهری در سه کشور ترکیه، مالزی و کره جنوبی پرداخته و در گام بعدی به طور مفصل به بررسی ارکان مدیریت شهری در ایران در طول تاریخ پرداخته است. بر همین اساس در این پژوهش دو کشور ترکیه و مالزی به دلیل شباهت ساختار فرهنگی و سیاسی با کشور ایران و همچنین کشور کره جنوبی نیز به دلیل تقارن آغاز برنامه توسعه ملی و اقتصادی با ایران انتخاب شده‌اند. در ادامه با رویکردی انتقادی و با بهره بردن از روش تحلیل محتوای کیفی، منابع مورد استفاده در این پژوهش مورد مطالعه و دسته‌بندی قرار گرفته و در نهایت این مقولات در یک ساختار قیاسی کل به جزء از مقولات مربوط به نظام حکومت مرکزی تا مقولات مربوط به حکومت محلی مورد بررسی تطبیقی قرار خواهند گرفت.

## 2- مدیریت شهری در ترکیه

مدیریت محلی در ترکیه قدمتی نسبتاً طولانی دارد. از لحاظ تاریخی پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی و نظام کاملاً پدرسالانه و تمرکزگرای آن در ابتدا نظام مدیریت استانی و سپس مدیریت شهرستانی به وجود آمد. پس از آن نیز اداره ویژه امور شهرستان شکل گرفت. مدیریت محلی در ترکیه شامل مجموعه نهادها و سازمان‌های انتخابی است که نیازهای مشترک محلی شهروندان، مناطق شهرداری را تأمین می‌کند (سعیدی رضوانی و همکاران، 1392: 176). برنامه‌ریزی شهری معاصر در ترکیه روندهای مشارکتی را در رهیافتش یکپارچه نمی‌کند. هرچند، جامعه‌شناسان ترکیه‌ای نیاز برای یکپارچه کردن روندهای مشارکتی در ترکیه را در نظر دارند. ترکیب رهیافت آموزش به برنامه ریزی، فقدان مؤلفه‌های اجتماعی و کمبود جامعه‌شناسان در ترکیه، شرایطی را ایجاد می‌کند که موجب برنامه‌ریزی مشارکتی نمی‌شود (سیلوستر<sup>1</sup>، 2010: 24-25).

<sup>1</sup> Sylvester

در کشور ترکیه، شورای شهر مسئولیت ارتقای شهرنشینی و دید شهروندی، حفاظت از حقوق ساکنان، مراقبت از محیط زیست، شفافیت، مشارکت و عملکرد پایدار سازوکار کنترلی را دارد. شهرداری‌ها باید کمک‌ها و حمایت‌های لازم را فراهم کنند تا شورا را در راستای اجرای لیست فعالیت‌های ذکر شده توانمند سازند (گوکتولگا<sup>2</sup>، 2016: 112 و 120).

نهاد شهرداری دارای تقسیمات اداری شامل شهرداری شهر، کمیته دائمی شهری و شهردار است. اعضای شورای شهر منتخب مردم هستند و تصمیم‌گیری در زمینه امور مختلف شهرداری بر عهده این شورا است. مهم‌ترین وظیفه شورای شهر بررسی و تصویب بودجه شهرداری است که از سوی شهردار تهیه و برای تصویب و طی مراحل قانونی به شورا ارسال می‌شود. کنترل شهردار از طریق ضابطه‌ای به نام رأی اعتماد از سوی شورا اعمال می‌شود و برکناری شهردار نیز از عدم کسب رأی اعتماد و تصویب هیات وزیران قابل انجام است. کمیته دائم شهری مرکب از روسای اداره‌های شهرداری و اعضای است که از سوی شورا انتخاب می‌شوند؛ اما ترکیب اعضا باید به گونه‌ای باشد تعداد اعضای منتخب از نصف اعضای انتصابی بیشتر نباشد. این کمیته به‌عنوان شهردار و گاهی بدنه اجرایی شهرداری عمل می‌کند (ایمانی جاجرمی، 1389: 151).

امور برنامه‌ریزی در کشور ترکیه صرفاً به عهده شهرداری‌هاست که این امر توسط کمیته‌ی دائمی مرکب از اعضای انجمن یا شورای شهر و نیز روسای بخش‌های مختلف شهرداری صورت می‌پذیرد. شهردار خود ریاست این کمیته را بر عهده دارد؛ لازم به ذکر است که شهرداران در ترکیه انتخابی هستند و بارأی مردم به این سمت برگزیده می‌شوند (رضویان و همکاران، 1392: 254). در واقع مدیریت شهری در ترکیه متشکل از یک مجمع، شورا و شهردار است. تعداد اعضای مجمع که با آرای مردم انتخاب می‌شوند به نسبت جمعیت شهر تغییر می‌کند. مجمع، تصویب‌کننده بودجه سالانه شهرداری، طرح‌ها و پروژه‌های مربوط به امور ساختمانی و برنامه‌ریزی شهری بوده و نیز مالیات، نرخ عوارض و تعرفه‌های مختلف را تعیین می‌نماید (مقیم، 1388: 345).

شورای شهر نیز که از شهردار، روسای دپارتمان‌های شهری، و تنی چند از اعضای مجمع تشکیل می‌شود که منتخب مردم هستند؛ دارای بیشترین اختیار است و تصمیم‌گیری در شهرداری بر عهده اوست (پولات‌اوغلو<sup>3</sup>، 2000: 167). شهردار نیز که مهم‌ترین مقام اجرایی و نماینده شهرداری است، برای یک دوره پنج‌ساله انتخاب می‌شوند. همچنین در شهرهای بزرگ که بیش از یک ناحیه دارند هر یک از نواحی برای انتخاب شهردار یک حوزه انتخاباتی به حساب می‌آیند و هر بخش، شهردار و اعضای مجمع شهری خود را انتخاب می‌کند. به این ترتیب ملاحظه می‌شود که ساختار مدیریت شهری در ترکیه را می‌توان از نوع شهردار قوی دانست، ولی حوزه اختیارات شهرداری می‌تواند در زمان اختلاف با شورا از سوی کمیته اجرایی شهری از سوی شورا و در زمان اختلاف با شورا از سوی کمیته اجرایی استانی محدود شود (کارتال<sup>4</sup> و همکاران، 2015: 6). در حال حاضر مدیریت محلی در ترکیه تلاش دارد تا تحقق بخش حکومت‌های محلی مطابق با استانداردهای اروپایی باشد. همچنین با توجه به اینکه هماهنگی میان مدیریت‌های محلی در اجرای وظایف، از جمله عوامل مؤثر بر تقویت مدیریت‌های محلی است، ناهماهنگی بین مدیریت محلی انتخابی و مدیریت انتصابی حکومت مرکزی، وجه مردمی تصمیم‌های حکومتی را مخدوش می‌کند و قابلیت اجرایی آن‌ها را از بین می‌برد. بنابراین شرط موفقیت مدیریت محلی در ترکیه، تفویض اختیارات بیش‌تر به شهرداری‌ها، شورای شهرداری‌های بزرگ و انتخابی کردن آن شوراهاست، چراکه شرط اصلی توسعه‌ی مدیریت محلی، بهره‌گرفتن از منابع مردمی و حمایت فکری و مالی مردم است.

### 3- مدیریت شهری در مالزی

<sup>2</sup> Goktolga

<sup>3</sup> Polat Oghlou

<sup>4</sup> Kartal

مالزی به عنوان یک کشور آسیایی که به شتاب گام‌های توسعه را پیموده است، در زمینه مشارکت مردمی در تمامی زمینه‌ها، از جمله مدیریت تصمیم‌گیری شهری نیز اقدامات لازم را تا حدود زیادی پیش برده است. نخستین بار که در تاریخ برنامه‌ریزی توسعه کشور مالزی، عنصر مشارکت مردم در اداره امور شهر و کشور مورد توجه قرار گرفته است، سال 1976 و به هنگام تصویب قانون برنامه‌ریزی شهر و کشور بود. بر اساس این قانون آماده نمودن طرح ساختاری باید با حضور نمایندگان از سوی مردم انجام می‌گرفت. همچنین در دسترسی قرار دادن پیش‌نویس طرح‌های ساختاری و تبلیغ آن‌ها برای اطلاع عمومی نیز پیش‌بینی گردید. در این کشور کمیته برنامه‌ریزی ایالتی موظف است تمامی اعتراض‌ها و ایرادهایی که مردم در رابطه با طرح ساختاری ارائه می‌کنند را مورد توجه قرار دهد. نگاهی به ساختار نژادی کشور مالزی نشان می‌دهد که برای اطمینان‌یابی از نظام درست محلی و پیشبرد گسترش دموکراسی بهترین شیوه، مشارکت منطقه‌ای و مؤثر مردم در اداره امور خویش است (علوی‌تبار، 1379: 119).

مطابق پژوهش مت نورالدین و همکاران<sup>5</sup>، در برنامه‌ی ساختاری 2020 کوالالامپور، روش‌های ارائه و شنود عمومی برای مشارکت مردم در دولت محلی در نظر گرفته شده است. تجربه‌ی مشارکت عمومی در مالزی همچنین در ارتباط با مشاوره و ملاقات با مردم در زمینه‌ی شناسایی محدودیت‌های اجتماعی-اقتصادی جامعه صورت گرفته است. این موضوع بیانگر آن است که دولت محلی در حال تجربه‌ی مدیریت شفاف است (مت نورالدین و دیگران، 2015: 507). دولت‌های محلی در کشور مالزی در ارائه کالاها و خدمات عمومی به هر گروهی از مردم که در محل خود زندگی می‌کنند، پاسخگو هستند. بیشترین فعالیتی که دولت محلی ارائه می‌کند، انجام توزیع خدمات مؤثر به خصوص برای کسانی است که دارای دسترسی کم یا حتی فاقد دسترسی به این خدمات هستند. بر این اساس به نهادهای محلی اجازه داده می‌شود تا عملکردهای توسعه-ای مدیریت شهری خودشان را کنترل کنند و نقش پویای بیشتری را در توسعه ملی ایفا کنند. دولت‌های محلی وظایف اجباری متعددی را برعهده دارند؛ همچون مسئولیت جوازدهی، جمع‌آوری زباله، روشنایی خیابان، فعالیت‌های مرتبط با بهداشت عمومی و فراهم کردن امکانات برای پارک‌های تفریحی. عملکردهای اصلی نهادهای محلی مالزی می‌توانند تحت عنوان زیست محیطی، اجتماعی، عمومی و توسعه خلاصه شوند (عثمان<sup>6</sup> و همکاران، 2014: 453).

امروزه مالزی در زمینه مشارکت مردمی در تمامی زمینه‌ها، از جمله مدیریت تصمیم‌گیری شهر، نیز اقدامات مؤثری را انجام داده است. در این کشور کمیته برنامه‌ریزی ایالتی موظف است تمامی اعتراضات و ابزارهایی که مردم در رابطه با سطوح ساختاری ارائه می‌کنند، مورد توجه قرار دهد (هاشمی و همکاران، 1390: 130). در زمینه فلسفه اصلی برنامه‌ریزی، این کشور رویکردی با محوریت نظارتی و ارزیابانه دارد؛ به نحوی که برنامه‌ریزی به عنوان حلقه اول چرخه یک پروژه به حساب می‌آید و در روند اجرای برنامه، نظارت لازم صورت می‌گیرد و پس از اجرا، ارزیابی لازم به منظور تطبیق با شرایط موجود انجام می‌شود. در زمینه برنامه‌ریزی سیاست‌های زمین، طرح‌های پنج ساله (طرح توسعه اجتماعی-اقتصادی) در سطح فدرال تهیه می‌شود. این برنامه‌ها در نهایت به سطح ایالت تعمیم داده می‌شوند و به طرح ساختاری نیز تبدیل می‌شوند (میرغلامی و همکاران، 1398: 29). در مجموع می‌توان گفت در فرایند برنامه‌ریزی و مدیریت شهری در مالزی، تعامل دو سویه میان نهادهای قدرت و مردم وجود دارد؛ به طوری که تعدد نهادهای نظارتی در مدیریت محلی مالزی موجب شده است که سازمان‌های اجرایی و مدیران شهری، کنترل مداومی از نظرات شهروندان را در اجرای پروژه‌ها لحاظ نمایند. این تعامل شبکه‌ای میان نهادهای اجرایی، نظارتی و توده مردم، چه در طیف اجتماعی و چه در طیف رسانه‌ای، سرمایه اجتماعی بسیار قدرتمندی را بوجود خواهد آورد که می‌تواند جایگاه ویژه‌ای در ساختار قدرت در جامعه برای خود ایجاد کند و آن را از حالتی تک‌بعدی، به الگویی از قدرت چندبعدی تبدیل کند.

<sup>5</sup> Mat Nurudin, Hashim, Rahman, Zulkifli, Pakeer Mohamed, Akma Hamik.

<sup>6</sup> Osman

#### 4- مدیریت شهری در کره جنوبی

در کشور کره جنوبی نوع حکومت‌های محلی بر اساس قانون اساسی مشخص می‌شود و پس از به رسمیت شناختن آن‌ها در این قانون سایر قوانین مربوطه، حدود و چگونگی فعالیت آن‌ها را روشن می‌سازد (سعیدی رضوانی و همکاران، 1392: 343). از آنجا که کره جنوبی از توسعه‌ی اقتصادی گسترده و سریعی در خلال دهه‌های 1970 و 1980 برخوردار شد، مفاهیم آزادی سیاسی و حقوق بشر بیشتر مورد توجه مردم این کشور قرار گرفت. در اوایل دهه‌ی 1990، دموکراتیک‌سازی کشور به صورت یک دغدغه اساسی مطرح شد. امروزه سیستم مدیریت شهری در کره جنوبی یک سیستم دولتی دو لایه را اتخاذ کرده است: 1- سطح بالایی دولت‌های محلی (در سطح منطقه‌ای) شامل استان و شهر کلانشهر؛ 2- سطح پایین دولت محلی (سطح شهری) شامل بخش روستایی، شهر و محله می‌شود (چوی<sup>7</sup> و همکاران، 2012: 23). از سال 1995 تا به امروز، دولت متروپلیتن سئول، برنامه‌های مشارکت شهروندی گوناگونی را در زمینه‌های تصمیم‌سازی، اجرا و ارزیابی پیشنهاد داده است. به عنوان مثال، از سال 1997، یک برنامه‌ی "شهروند ناظر" وجود دارد تا فرصتی برای مشارکت در برنامه‌های مختلف در سئول، از طریق نظارت کردن بر آن برنامه‌ها و ایجاد بازخورد به دولت سئول فراهم شود. دولت سئول همچنین استفاده از فناوریهای پیشرفته مشارکت الکترونیکی را به منظور ارتقاء مشارکت شهروندان در فرایندهای سیاستگذاری، گسترش داده است (کیم و لی<sup>8</sup>، 2019: 1033).

ساختار مدیریتی حکومت‌های محلی کره جنوبی مشابه سیستم آمریکایی شورا- شهردار قوی می‌باشد. آن‌ها دارای مدیران اجرایی و شوراهای محلی هستند. مدیران اجرایی سطح عالی و سطح پایین به‌وسیله رأی مردم برای یک دوره چهارساله انتخاب می‌شوند. اعضای شوراهای محلی سطح پایین‌تر بارأی مستقیم مردم و برای یک دوره چهارساله انتخاب می‌گردند. هدف اصلی سیستم نمایندگی، جلوگیری از تسلط یک حزب در شورای محلی است. احزاب سیاسی همچنین می‌توانند کاندیداهای خود را برای احراز پست مدیریت اجرایی و عضویت در شورای محلی سطح بالاتر معرفی نمایند (لی و پارک<sup>9</sup>، 2013: 409). شورای محلی مسئولیت حفظ منابع شهروندان و نظارت بر امور اجرایی محلی را بر عهده دارد. شورا همچنین اختیار تصویب به‌طورکلی اصل اساسی دموکراسی محلی در کشور کره جنوبی این است که قدرت تصمیم‌گیری باید تا حد امکان در اختیار مقاماتی باشد که به جوامع متأثر از تصمیمات نزدیک‌تر هستند. بر اساس قانون استقلال محلی، منافع دولت‌های محلی سطح بالا و پایین نباید با یکدیگر در تضاد باشند. در صورت وجود تضاد، دولت‌های محلی سطح پایین‌تر اولویت دارند (کمپبل<sup>10</sup> و همکاران، 2014: 276). بر اساس قوانین مربوط به دولت‌های محلی در کره جنوبی، شوراهای شهر از قدرت استقلال قانونی برای تصویب، اصلاح یا مردود شناختن درخواست‌ها و پیشنهادهای شهرداری و همچنین ارزیابی و تصویب بودجه عمرانی مورد تقاضای شهرداری برخوردار است. از دیگر وظایف شورای شهر می‌توان به بازرسی از اداره‌های دولتی شهر اشاره کرد. شورای شهر همچنین پیشنهادها، انتقادات و تقاضای مکتوب شهروندان را بررسی می‌کند. دیگر وظایف و فعالیت‌های شورا عبارت‌اند از: هزینه‌های اشتراک خدمات شهری، نظارت بر نحوه هزینه‌کرد بودجه شهرداری، وضع و جمع‌آوری مالیات‌های محلی، کمیسیون‌ها و اجاره بهایی که جزئیات آن در قانون نیامده و به شورای شهر واگذار شده است (سعیدی رضوانی و همکاران، 1392: 356). بنابراین آنچه در نظام مدیریت شهری در کشور کره جنوبی مشهود است، قوانین محلی و تصمیم‌گیری در موضوعات سیاسی مهم در حوزه دولت‌های محلی را دارد (مرتضوی، 1392: 166). اولویت دادن به الگوی مدیریتی مردم‌محور و توجه به لایه‌های زیرین قدرت در جوامع محلی به منظور پیشبرد بهتر مسائل مربوط به مدیریت شهری و منطقه‌ای است.

<sup>7</sup> Choi, Choe, Kim

<sup>8</sup> Kim, Lee

<sup>9</sup> Lee & Park

<sup>10</sup> Campbell

## 5- مدیریت شهری در ایران

### 5-1- الگوی مدیریت شهری تا پیش از دوران مشروطه

اولین تجربه توسعه شهرها در ایران به دوره هخامنشی بازمی‌گردد. هرچند رشد و شکوفایی منطقه فارس مرکزی متعاقب تأسیس شاهنشاهی هخامنشی به رغم عملیات ساختمانی بی‌سابقه در تخت جمشید، اساساً در راستای ایجاد شهر و شکل-گیری ساختار شهرنشینی نبوده است (بهادری و ولی‌پور، 1398: 19). بنابراین می‌توان ادعا نمود مفهوم شهر و حقوق شهروندی در این دوران در ابتدای راه بوده و آنگونه که باید، نسج نگرفته بوده است. در عهد سلوکیان، با توجه به اینکه الگوی حکمرانی از شهر-دولت‌های یونانی به ایران رسیده بود، شرایط متفاوتی از روابط شهروندان و حاکمان ایجاد شد. هرچند شهرهای سلوکی-ایرانی با وجود خود مختاری اعطایی از سوی شاهان سلوکی، بر خلاف پولیس‌های اصلی در سرزمین یونان دارای خود مختاری محدودی بوده و مسائل مرتبط با روابط خارجی، مستقیماً با شاه سلوکی مربوط می‌شد (محمودآبادی و قائم‌مقامی، 1388: 16). در دوره اشکانیان الگوی متفاوتی از حاکمیت کلان و خرد در پهنه سرزمین ایران رخ داد و برای اولین بار ساختار حکومت شاهنشاهی بر اساس وراثت از بین رفت. شهر پارتی در دولت اشکالی، مرکز اصلی حیات سیاسی دولت و مکان اصلی تصمیم‌گیری‌های دولت و مشورت ارکان دودمانی بود و جمع‌بندی افکار عمومی در شهر در بسیاری موارد منجر به تصمیم‌گیری بسیار مهم می‌شد (حبیبی، 1375: 22). در دوران ساسانی تبعیض و نابرابری به دلیل وجود نظام کاستی به اوج خود رسید. در نتیجه ساکنان شهر ایرانی در این دوران، نقش قابل توجهی در ساختار مدیریتی شهر نداشتند و توزیع قدرت به راس هرم سلسله مراتبی شهر محدود می‌شد (ساسان‌پور و مفتخری، 1390: 81).

پذیرش اسلام در ایران به همراه خود تغییرات گسترده‌ای را در شئون مختلف زندگی اجتماعی-اقتصادی و از جمله در نحوه شهرنشینی پدید آورد. در ایدئولوژی اسلامی تأکیدی بر ملیت و قومیت نبود و مفهوم امت اسلامی مطرح شد که تفکری همه شمول داشت. هرچند اصول اسلامی در اجرا وابسته به تفسیر و احکام خلفا شد و به مرور مفاهیم مقدس اسلام از الگوی آرمانی‌اش دور شد به مرور و با گذشت چند قرن پس از ورود اسلام به ایران، با شکل‌گیری حکومت‌های اقتدارگرایی همچون سامانیان، نظام سلسله مراتبی قدرت و مدیریت طبقاتی در میان حاکمان شکل گرفت و به مرور الگوی حکمرانی بر مردم بر اساس الگوی یک سویه قدرت شکل گرفت (اشرف، 2013: 26). در قرن چهارم هجری حکومت دیلمیان با استقلال از حکومت بغداد، علی‌رغم تشکیل حکومتی آزاد، سبب فروپاشی مفهوم خلیفه به عنوان نایب خدا بر زمین می‌گردد. در این دوران دوران انجمن‌های صنفی با شکوفایی همراه بوده که نشان از تحولی اجتماعی در جریان شهرنشینی ایران است. با روی کار آمدن دولت سلجوقی بزرگترین ضربه بر پیکره مفهوم حق و حق بر شهر در نظام شهری ایران وارد می‌گردد. در این دوران نظریه‌پردازی امام محمد غزالی در مورد سلطنت و خواجه نظام الملک در مورد حق که معطوف به تفسیر مفاهیم شرعی بیان می‌گردید چارچوبی محکم برای امر سلطنت و حاکمیت مطلق دولت فراهم می‌نمود و دیگر محلی برای به رسمیت شناختن هیچگونه حقی نسبت به شهر و حکومت باقی نمی‌گذاشت. با تاخت و تاز مغولان نظام شهری و شهرنشینی ایران تا مدتها در بدترین شرایط تاریخی خود قرار گرفت و تا سه قرن پس از آن موفق به بازسازی نشد و باعث تغییر اساسی در ساختار شهری پس از آن گشت. نتیجه ناشی از سه قرن حکومت ایلخانیان، تیموریان، گورکانیان و دیگر حکومت‌های این عصر، باعث پدید آمدن معیارهایی تازه در مدیریت شهر و پایمال نمودن حقوق شهروندی گردید (حائری، 1394: 179).

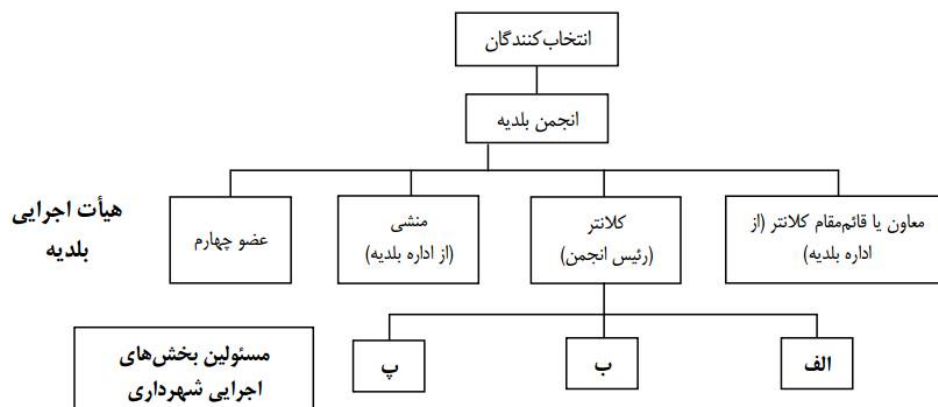
با به قدرت رسیدن صفویه، شهرنشینی رونق مجدد گرفت. امکان تولید و داد و ستد گسترده در کشور موجب به وجود آمدن شهرهای آباد و ثروتمند با جمعیتی فراوان و ساخت‌وساز بناها و عمارت‌های با شکوه شد (اقبال آشتیانی و دیگران، 1387: 590). ساختار دینی و حکومتی صفویان به گونه‌ای بود که نفوذ علمای شیعه و سادات در ساختار حاکمیت افزایش یافت و بسیاری از مناصب رده بالا، میان‌رده و پایین‌رده حکومتی به این افراد اختصاص یافت (کُردی، 1395: 69). هرچند در مجموع باید گفت اگرچه در حکومت مطلقه پادشاهی صفوی، نظر و رای علماء مذهبی اساسی‌ترین نقش را در حقوق

شهروندی مردم ایران در عصر صفویه ایفاء می‌کرد اما کماکان اصول حاکمیت یک جانبه و مقتدرانه، جریان حکمرانی بر مردم را پیش می‌راند و عملاً مفهوم رسمی و قانونی به نام مشارکت و حقوق شهروندی کماکان محلی از اعراب نداشت. پس از فروپاشی دولت صفوی، سرزمین ایران برای حدود دو قرن، مجدداً درگیرودار قتل و غارت و اغتشاش شد و شهرهای بسیاری به محل جنگ و غارت اقوام بیابانگرد و حکومت‌های محلی گردید. در این دوران نه تنها مساله‌ای با مفهوم حقوق شهروندی بی‌معنا می‌نمود، بلکه تنها مساله مهم حفظ جان و مال از گزند مهاجمان بود.

دوره قاجار مهمترین دوره تاریخی از لحاظ موضوع حق شهروندی و ورود مفاهیم مشارکت مردمی در شکل‌دهی به ساختار قدرت به حساب می‌آید؛ چرا که علی‌رغم آشنایی ایرانیان با فرهنگ شهری اروپای جدید، ورود اندیشه‌های شهروندی و سیاسی و حضور گسترده اروپاییان در ایران، دو اتفاق مهم دیگر، مسیر تاریخی به رسمیت شناختن حق بر شهر را در ایران تغییر داد: اول آن که سعی حکومت‌های غربی مداخله‌گر در ایران و عزم نخبگان و قدرتهای مذهبی و نظامی گوشه کنار ایران در ساقط کردن حکومت قاجار ضعیف شده، زمینه انقلاب مشروطه را فراهم نمود که به عنوان نهادی مؤثر و مردمی در مفهوم زمان خود نقطه عطفی در به رسمیت شناختن گروههای اجتماعی بود؛ و دوم اعلام انقراض حکومت قاجار توسط مجلس که نه تنها نشان از قدرت مجلس آن زمان داشت، بلکه سبب در هم شکستن قدرت و ابهت نظام شاهنشاهی و تصویر معطوف به مذهب حکومت شاهی تا آن زمان بود (حائری، 1394: 180). با وجود این، زندگی شهری تا پایان دوران قاجار دوره‌هایی از فترت و رونق از سر گذراند.

## 5-2- الگوی مدیریت شهری از دوران مشروطه تا به امروز

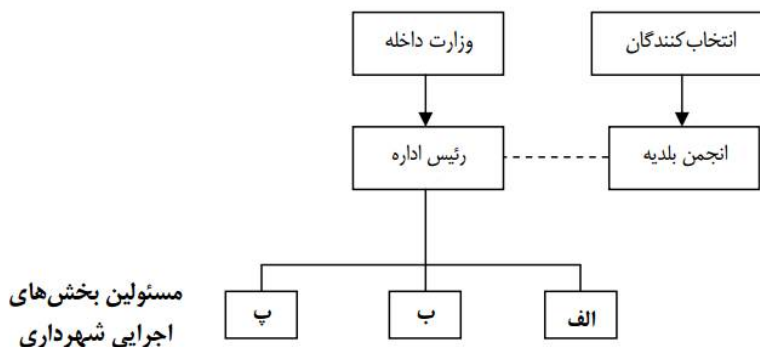
پس از دوران مشروطیت، همزمان با فرایند اقتباس از الگوهای شهرداری و شهروندمداری غربی، تحولات اساسی در عرصه مدیریت شهری کشور ایجاد شد و الگوهای یکجانبه‌نگر حکومت‌رانی در شرق، جای خود را به الگوهای دو یا چندجانبه حکومت‌رانی بر مبنای اصل تفکیک قوا (یا منشا غربی) داد. قوانین مربوط به شهرداری یکی از قدیمی‌ترین متون قانونی در تاریخ حقوق موضوعه ایران است. اولین قانون در زمینه مدیریت شهری، یک سال پس از جنبش مشروطه و تأسیس مجلس شورای ملی با عنوان قانون بلدییه وضع شد. این قانون در دوازدهم خردادماه 1286 هجری شمسی در اولین دوره مجلس شورای ملی مشروطه تصویب شد (نوروزی، 1380: 19). بر اساس این قانون، انجمن بلدییه توسط انتخاب‌کنندگان و از طریق آراء مستقیم مردم انتخاب می‌شد. تعداد اعضاء انجمن بلدییه با توجه به اندازه شهرها متغیر بود. انتخابات در سطح محلات شهری برگزار می‌گردید و هر محله با توجه به وسعت و جمعیت خود، سهمی از اعضاء و انجمن بلدییه را به خود اختصاص می‌داد (شرکت خدمات ایرانیان، 1389: 72). شکل 1، نمودار سلسله مراتبی اعضای انجمن بلدییه را نشان می‌دهد.



شکل 1: مدل اداره شهر بر اساس قانون بلدییه (مصوب سال 1286)

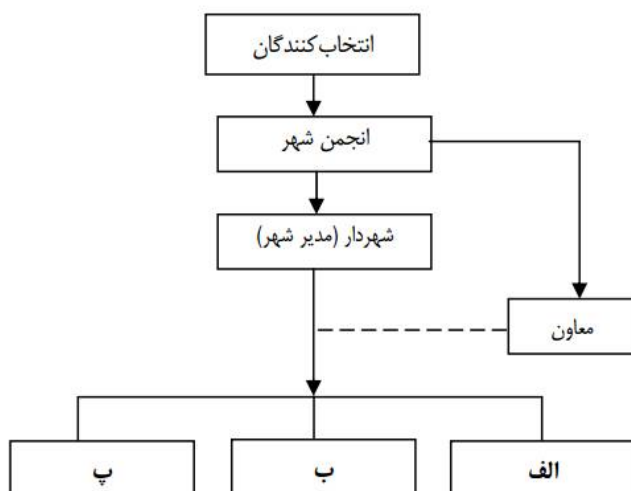
(منبع: براتی، 1390: 39)

قانون بلديه دوم با تثبيت حكومت پهلوې و استبداد رضاخاني در کشور هم‌زمان بود، بنابراین شرایط سياسي و اجتماعي کاملاً با زمان تصويب قانون بلديه اول متفاوت بود. اين قانون در ساماندهی بلديه (شهرداری) تاکيد بر رهبری سياسي و اجرائی مدير اجرائی منتخب دولت مرکزی داشت. انجمن بلديه از نمايندگان طبقات تجار، اصناف و مالکين تشكيل می‌شد (احمد آخوندي و همکاران، 1387: 146). بر اساس اين قانون، اختيار انتخاب رئيس اداره بلديه از انجمن بلديه گرفته شد و به وزارت داخله محول گردید (شکل 2).



شکل 2: مدل اداره شهر بر اساس قانون بلديه (مصوب سال 1309)  
(منبع: براتی، 1390: 40)

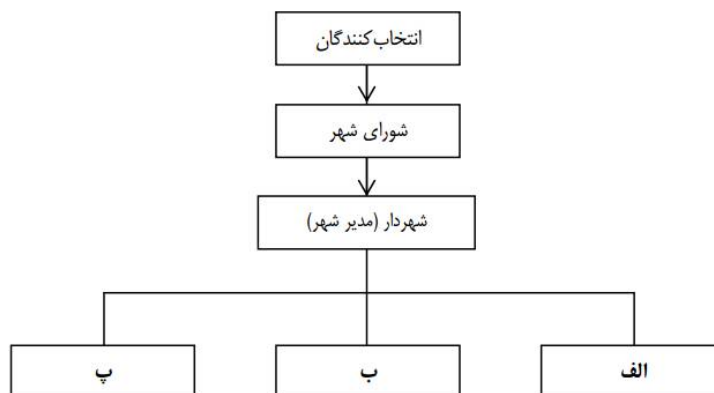
اولين قانونی که صراحتاً به تاسيس شهرداری‌ها و انجمن شهر اشاره داشت، در سال 1328 و در زمان سلطنت محمدرضا شاه به تصويب رسید. بر اساس اين قانون، هر شهرداری انجمنی خواهد داشت که از طرف اهالی مستقیماً و با رای مخفی و اکثریت نسبی برای مدت 4 سال انتخاب می‌شوند (احمد آخوندي و همکاران، 1387: 147). در سال 1331 و در زمان نخست وزير وقت (دکتر محمد مصدق) لايحه قانونی شهرداری مشتمل بر 90 ماده و 14 تبصره به تصويب رسید. اين لايحه قانونی مبنای قانون شهرداری در سال 1334 قرار گرفت. محتوای حقوقی و اجرائی اين قانون به حدی بوده که علی‌رغم اصلاحاتی متعددی که تا به امروز در آن صورت گرفته، بسیاری از مفاد آن تاکنون معتبر بوده و اين قانون را تا به امروز ملغی ننموده است. قانون شهرداری‌ها در زمینه سازمان‌دهی شهرداری، مدل شورا - مدير شهر را مورد توجه قرار داده است. شکل 3 مدل اداره شهر مصرح در اين قانون را نشان می‌دهد



شکل 3: مدل اداره شهر بر اساس قانون تشكيل شهرداری‌ها (مصوب سال 1331)  
(منبع: براتی، 1390: 43)



این ساختار قدرت و چهارچوب مدیریت شهری تا زمان انقلاب اسلامی ادامه داشت. اگرچه پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، در اصل 100 قانون اساسی بر پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم و با انتخاب اعضای شورای شهر و روستا تأکید شده بود، اما قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران عملاً 18 سال بعد به تصویب مجلس شورای اسلامی (مصوب 1375) رسید و اولین انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا نیز در سال 1378 برگزار شد. قانون جدید، مدل انتخابی برای اداره امور شهر همان مدل شورا - مدیر شهر است که همانند قوانین قبلی، عنوان شهردار به مدیر منتخب شورای شهر اطلاق می‌شود. مطابق قانون، اعضای شورای اسلامی شهر با رای مستقیم انتخاب‌کنندگان برای یک دوره 4 ساله انتخاب می‌شوند. هرگاه شورا اقداماتی را برخلاف وظایف مقرر یا مخالف مصالح عمومی کشور و یا حیفاومیل و تصرف غیرمجاز در اموالی که وصول و نگهداری آن را به نحوی بر عهده دارد انجام دهد به پیشنهاد فرماندار و طرح موضوع در هیأت حل اختلاف استان و تصویب هیأت حل اختلاف مرکزی منحل می‌گردد. بنابراین عملاً انحلال شوراها بر اساس این قانون برخلاف قوانین قبلی در حوزه اختیار قوه مجریه نیست و این روند با حضور نمایندگانی از قوای سه‌گانه کشور (اعضاء شورای حل اختلاف استان و مرکزی) و سرانجام تأیید آن در یک نهاد قضایی امکان‌پذیر است. این موضوع از وجوه مثبت و متمایز نظام اداره شهر در ایران حتی نسبت به برخی از کشورهای اروپایی است (شرکت خدمات ایرانیان، 1389: 89). شکل 4 مدل اداره شهر بر اساس قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران (مصوب 1375 به همراه آخرین اصلاحات آن) را نشان می‌دهد.



شکل 5: مدل اداره شهر بر اساس قانون شوراهای مصوب سال 1375 (منبع: براتی، 1390: 45)

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های آخرین قانون مصوب در مورد شوراهای، اختیار عزل مستقیم شهردار توسط شورا (و به طور غیرمستقیم توسط مردم) است که مهم‌ترین ابزار شورای شهر برای اعمال نظارت و کنترل بر عملکرد شهردار و به تبع آن شهرداری است. همچنین در دسته‌بندی دیگر می‌توان اهداف شورای اسلامی شهر را به بخش‌های اجرای سیاست عدم تمرکز، سرعت بخشیدن به کارها، رفع تبعیض در جامعه، همکاری و هماهنگی با دولت و دستگاه‌های دولتی، انعکاس خواسته‌های مردم، سپردن کارهای مردم به خود مردم، رشد سیاسی و اجتماعی مردم در امور و خودگردانی یا خودمدیریتی مردم برشمرد (مرتضوی، 1392: 114). این موضوع طی دو دهه اخیر موجب شده است که قدرت یکجانبه شهردار در تصمیم‌گیری‌ها و موارد اجرایی تعدیل شده و اعضای شوراهای شهر نیز که قدرت و پشتوانه آنها برگرفته از آراء مردمی است، بتوانند در مسائل مهم مربوط به توسعه شهر مشارکت داشته باشند. به خصوص اینکه طی سال‌های اخیر شورایی‌های محلات نیز در فرایند تصمیم‌گیری و مشارکت مردمی و با استناد به بندهای ششم و هفتم ماده 71 قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران، به کمک اعضای شورای شهر آمده‌اند.

تجارب مدیریت شهری در دوران قبل و بعد از انقلاب اسلامی نشان داد که صرف نظر از اینکه حکومت مرکزی اسلامی باشد یا استبدادی، اگر در جامعه‌ای پیچیده، تمرکز قدرت بدون ابزار و سازمان‌های کنترل کننده وجود داشته باشد، یعنی یک فرد تعداد زیادی از نقش‌ها را داشته باشد، در نتیجه از تعداد از میزان و تعداد نقش‌ها و مسئولیت‌ها و تقسیم کار برای دیگر افراد و نهادها کاسته می‌شود؛ بدین ترتیب شخص قدرتمند به یک ستاره تبدیل می‌شود که همه چیز حول محور او انجام می‌گیرد اما با از بین رفتن او، همه چیز از هم می‌پاشد. بنابراین همانگونه که تفکیک بیش از حد وظایف و تضعیف شهرداری، به عنوان راس اجرائی نظام مدیریت شهری، موجب نوعی هرج و مرج در مدیریت شهری می‌شود، تمرکز قدرت و افزایش حیطه اختیار شهرداری بدون داشتن نظام قانون‌گذار شهری و سیستم کنترلی و نظارتی، موجب نوعی قدرت مطلقه می‌شود که بر بقیه بخش‌های جامعه شهری، ارزش‌ها، گرایش‌ها، عقاید، ساختار اجتماعی و حتی سیاسی جامعه تاثیر عمیق می‌گذارد (رفیع‌پور، 1376: 259). بنابراین وجود شوراها به همراه کمک شورایی‌ها، می‌تواند به عنوان وزنه و اهرمی بر تفکیک قدرت‌ها در عرصه مدیریت شهری و نظارت بر عملکرد اجرائی شهر تلقی شود. در عین حال، شورای شهر و شورایی‌ها می‌توانند فضای لازم را برای ورود نهادهای خصوصی و عمومی در فرایند برنامه‌ریزی مشارکتی و همکاری‌ها تسهیل نماید و حلقه ارتباطی بین مردم، ذی‌نفعان، سرمایه‌گذاران، برنامه‌ریزان و مدیران شهری را فراهم کنند.

## 6- بررسی تطبیقی مدل‌های مدیریت شهری در کشورهای ایران، کره جنوبی، ترکیه و مالزی

به منظور مقایسه‌ی تطبیقی چهار کشور مورد بررسی، از جدول‌های تطبیقی استفاده شده است. این جدول‌ها در حقیقت بر اساس روش تحلیل محتوای کیفی تنظیم شده‌اند. ابتدا متن گزارش مربوط به هر چهار کشور (بر اساس منابع فوق‌الذکر) مورد مطالعه‌ی دقیق قرار گرفت و از طریق قرار دادن مشابهاً موضوعی در کنار هم، یک نامگذاری مقوله‌ای برای موضوع مربوطه صورت گرفت. در نهایت پس از دسته‌بندی مذکور، این مقولات در یک ساختار قیاسی کل به جزء از مقولات مربوط به نظام حکومت مرکزی تا مقولات مربوط به حکومت محلی قرار گرفتند و مورد نظم دهی، خلاصه‌سازی و تکمیل قرار گرفت. در ادامه این جدول‌های تطبیقی معرفی شده‌اند که زمینه‌ساز مقایسه‌ی این چهار کشور می‌شود. جدول 1، در سطح اول مقایسه، نظام سیاسی، آرمان‌های آن و توجه به مقوله‌ی برنامه‌ریزی و مشارکت در درون نظام‌های این چهار کشور را مورد بحث و بررسی قرار داده است.

جدول 1: مقایسه‌ی نظام سیاسی در چهار کشور مورد مطالعه

کشور	نظام سیاسی	آرمان‌های نظام سیاسی	مقوله‌ی برنامه‌ریزی و مشارکت در گفتمان نظام سیاسی
ترکیه	جمهوری	- ترکیبی از سکولاریسم، آزادی اقتصادی و حفظ رویکرد اسلامی با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه	- بر پایه سنتی، نهادهای دولتی نقش غالب و مسلطی در ترکیه دارند. در طول زمان توجه اقتصادی به قدرت بخش خصوصی افزایش یافت، توجه به مطالبات مشارکت طلبانه‌ی گروه-های اجتماعی قدرت جامعه‌ی مدنی و پلورالیسم در اجتماع افزایش یافته است.
		- تلاش برای ارتقای تعاملات دولت و جامعه، تأکید بر توسعه‌ی احزاب ملی و مذهبی و کاهش شکاف-های اجتماعی و توجه به حقوق اقوام و مذاهب	- تأسیس شوراهای شهر به عنوان یک ساز و کار مشارکتی در مقیاس شهر (اعضای شورای شهر منتخب مردم هستند)
مالزی	مشروطه پارلمانی	- نگرش به شرق و الگو قرار دادن ژاپن و کره جنوبی به عنوان نمونه‌های موفق از پیشرفت اقتصادی	- تهیه طرح توسعه پنج ساله اجتماعی- اقتصادی در سطح فدرال، تعمیم این برنامه‌ها به سطح ایالت، تبدیل به طرح ساختاری و اساس توسعه برنامه‌ریزی در سطح محلی
		- اصلاح ساختار مدیریت توسعه اقتصادی و نظارت دولت، راهبرد توسعه صادرات، خصوصی سازی، سرمایه‌گذاری خارجی و بسیج منابع داخلی	- اعتقاد به مشارکت مردمی به عنوان بهترین شیوه برای اطمینان‌یابی از نظام درست محلی و پیشبرد گسترش دموکراسی
		- با توجه به توسعه اقتصادی حاصل شده و نیز رشد	- مشاوره و ملاقات با مردم در زمینه‌ی شناسایی محدودیت‌های اجتماعی اقتصادی جامعه.

کشور	نظام سیاسی	آرمان‌های نظام سیاسی	مقوله‌ی برنامه ریزی و مشارکت در گفتمان نظام سیاسی
		طبقه متوسط در این کشور، فرایند توسعه سیاسی و دموکراسی به‌عنوان عامل تداوم بخش توسعه اقتصادی، در حال تعمیق و گسترش می‌باشد.	- در مالزی عنصر مشارکت مردم در طرح‌های ساختاری و محلی به‌خوبی دخالت دارد و هردوی این طرح‌ها باید بر اساس اظهارات عموم تغییر یافته یا اصلاح شوند.
کره جنوبی	جمهوری	- تأکید بر آزادی سیاسی، حقوق بشر و دموکراتیک سازی کشور	- پیشنهاد برنامه‌های مشارکت شهروندی گوناگونی در زمینه‌های تصمیم‌سازی، اجرا و ارزیابی از سوی دولت از سال 1995
		- حرکت از اقتدارگرایی به سمت دموکراسی و مردم سالاری و پررنگ کردن نقش احزاب	- استفاده از فناوری‌های پیشرفته مشارکت الکترونیکی به منظور ارتقاء مشارکت شهروندان در فرایندهای سیاست‌گذاری. به عنوان مثال انجمن‌های سیاسی آنلاین باز.
ایران	جمهوری اسلامی	- تأکید بر الگوهای دو یا چند جانبه حکومت- رانی بر مبنای اصل تفکیک قوا	- اولویت دادن به الگوی مدیریتی مردم‌محور و توجه به لایه‌های زیرین قدرت در جوامع محلی به منظور پیشبرد بهتر مسائل مربوط به مدیریت شهری و منطقه‌ای.
		- تأکید بر الگوهای دو یا چند جانبه حکومت- رانی بر مبنای اصل تفکیک قوا	- تأکید بر مشارکت شهروندان با وقوع جنبش مشروطه و معنا یافتن مفهوم مجلس.
		- تأکید بر مردم سالاری و اصول اسلام بعد از انقلاب اسلامی	- بر اساس مفاد قانون شهرداری‌ها، انجمن شهر می‌بایست از طریق آراء مردم انتخاب شود.
			- تصویب قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران در سال 1375 و برگزاری اولین انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا در سال 1378.

جدول 2، در سطح دوم مقایسه، به مقوله بندی تعاملات دولت مرکزی و محلی و نحوه‌ی اعمال حکومت محلی در این چهار کشور پرداخته است.

جدول 2: مقایسه تعاملات دولت مرکزی و محلی در چهار کشور مورد مطالعه

کشور	جایگاه و قدرت دولت محلی و تعامل آن با دولت مرکزی	نحوه‌ی اعمال دولت محلی
ترکیه	- حرکت به سمت مدیریت محلی و فاصله گرفتن از نظام پدرسالانه و تمرکزگرایی دولت مرکزی	- برگزاری انتخابات دوره‌ای برای مدیریت محلی
	- نظارت عالی به مدیریت مرکزی به مدیریت‌های محلی منظور حفظ یکپارچگی تأمین خدمات عمومی در کل کشور	- الگوی مدیریت شهری دو سطحی. یکی شهرداری سطح منطقه‌ای است که کل مجموعه شهری را در برمی‌گیرد و دیگری شهرداری سطح محلی است که در هر کدام از شهرها و شهرک‌های موجود در مجموعه شهری شکل می‌گیرد.
	- نقش شهردار دوگانه است شهردار ریاست تشکیلات محلی را به عهده دارد و از سوی دیگر از جانب دولت مرکزی انجام پاره‌ای وظایف را می‌پذیرد. شهرداران در مقابل دولت استقلال عمل دارند.	
مالزی	نظام مرکزی که قدرت خود را در درجه اول از مردم کسب نموده است، بالطبع قدرتش محصول قدرت تک تک ایالات عضو می‌باشد،	- چهار نوع حکومت محلی در این کشور وجود دارد: حکومت محلی شهر که به‌عنوان شورای شهر نامیده می‌شود؛ شهرداری که به عنوان شورای شهرداری شناخته می‌شود؛ ناحیه روستایی که شورای بخش نامیده می‌شود و شورای محلی برای روستا نیز وجود دارد؛ مدیر محلی ویژه که هماهنگ‌کننده یا هیئت‌مدیره توسعه محل نامیده می‌شود.
	تمایل به مدیریت و کنترل حکومت مرکزی علی‌رغم وجود سیستم فدرالی افزایش قدرت مقامات محلی همراه با مجموعه کاملی از وظایف و مسئولیت‌ها در ساختار قدرت کشور با تأکید بر برنامه‌ریزی محلی توسط نهادهای محلی	
کره جنوبی	- به‌طور کلی اصل اساسی دموکراسی محلی در کشور کره جنوبی این است که قدرت تصمیم‌گیری باید تا حد امکان در اختیار مقاماتی باشد که به جوامع متأثر از تصمیمات نزدیک‌تر هستند.	- در کشور کره جنوبی نوع حکومت‌های محلی بر اساس قانون اساسی مشخص می‌شود و پس از به رسمیت شناختن آن‌ها در این قانون، سایر قوانین مربوطه، حدود و چگونگی فعالیت آن‌ها را روشن می‌سازد.
	- بر اساس قانون استقلال محلی، منافع دولت‌های محلی سطح بالا و پایین نباید با یکدیگر در تضاد باشند. در صورت وجود تضاد، دولت‌های محلی سطح پایین‌تر اولویت دارند.	- وجود یک سیستم دولتی دو لایه: 1- سطح بالایی دولت‌های محلی شامل استان و شهر کلانشهر؛ 2- سطح پایین دولت محلی شامل بخش روستایی، شهر و محله می‌شود.
	- تأکید قانون استقلال محلی بر ارتقای دموکراسی و کارایی مدیریت مستقل محلی در قلمرو اجرای قوانین و احکام قانونی تابعه	

<p>- اعضای شورای اسلامی شهر با رأی مستقیم انتخاب‌کنندگان برای یک دوره چهار ساله انتخاب می‌شوند. شوراهای اسلامی شهر پس از رسمیت یافتن نسبت به انتخاب شهردار واجد شرایط برای مدت چهار سال اقدام می‌کنند.</p>	<p>- کشور ایران در دسته کشورهای دارای نظام متمرکز اداره امور قرار دارد. سابقه تمرکز زدایی و شکل‌گیری حکومت‌های محلی به اولین دوره مجلس شورای ملی و تصویب قانون ایالات و ولایات و قانون بلدیة باز می‌گردد، اما هیچ‌گاه، نهادهای مذکور از توان و استقلال کافی برای ایفای نقش خود برخوردار نبوده‌اند.</p>	<p>ایران</p>
<p>- شوراهای پایین دستی شورای شهر چون شورا یاری محلات و نواحی شهری موجودیت قانونی لازم را ندارند.</p>	<p>- شکل‌گیری شوراهای اسلامی کشور در سال 1378 نخستین گام جدی دولت برای تمرکز زدایی و ایجاد نظام‌های محلی اداره امور در مقطع پس از پیروزی انقلاب به شمار می‌رود. - نحوه روابط بین حکومت مرکزی و سازمان محلی تا حد زیادی توسط قانون مشخص می‌شود.</p>	

جدول 3، در سطح سوم مقایسه، انواع مدل‌های مدیریت شهری و ویژگی‌های تفصیلی آن را در این چهار کشور مورد مقایسه قرار داده است.

جدول 3: مقایسه‌ی مدل مدیریت شهری در چهار کشور مورد مطالعه

کشور	مدل مدیریت شهری	اعضای مدیریت شهری و تعاملات آنها	نحوه‌ی انتخاب شهردار	چگونگی کنترل و برکناری اعضای مدیریت شهری
ترکیه	شورا- شهردار قوی	<p>- شهرداری‌ها در ترکیه از سه ارگان تشکیل یافته‌اند. شورا، کمیته اجرایی و شهردار. شهردار ریاست کمیته شهری را بر عهده دارد.</p> <p>- اعضای کمیته شهری رؤسای بخش‌ها و اداره‌های مختلف شهرداری، شهردار و چند عضو منتخب شورا هستند.</p> <p>- شهرداری‌ها باید کمک‌ها و حمایت‌های لازم را فراهم کنند تا شورا را در راستای اجرای لیست وظایفش توانمند سازند.</p> <p>- کمیته شهری یک نهاد تصمیم‌گیری و اجرایی است، در حالیکه شورا یک نهاد تصمیم‌گیری است.</p>	- مستقیم	<p>- شهردار که مهم‌ترین مقام اجرایی و نماینده شهرداری است، برای یک دوره پنج‌ساله انتخاب می‌شوند. شهردار به‌عنوان نماینده دولت مرکزی نیز می‌باشد. ساختار مدیریت شهری در ترکیه را می‌توان از نوع شهردار قوی دانست، ولی حوزه اختیارات شهرداری می‌تواند در زمان اختلاف با شورا از سوی کمیته اجرایی شهری از سوی شورا و در زمان اختلاف با شورا از سوی کمیته اجرایی استانی محدود شود.</p> <p>- ضابطه‌ای به نام رأی اعتماد از سوی شورا، نیز یک راه برای کنترل شهردار است.</p> <p>- برکناری شهردار نیز از عدم کسب رأی اعتماد شورا و تصویب هیات وزیران قابل انجام است.</p>
مالزی	شورا - شهردار ضعیف	<p>- در این ساختار شهردار و شورا همانند مقامات محلی انتصاب می‌شوند. در این مدل، شورا واجد بخش قابل توجهی از قدرت اجرایی است که از طریق کمیته‌های زیرمجموعه خود اعمال کند. شهردار دارای قدرت و اختیار اجرایی اندکی است اما تعدادی از کارکردهای قضایی و قانون‌گذاری را به عهده دارد. بسیاری از مسئولین بخش شهرداری در این گونه شهرها، مستقیم انتخاب می‌شوند.</p>	- غیرمستقیم	<p>- در دهه‌های اخیر با انتصاب مقامات محلی توسط دولت فدرال، نظارت سلسله مراتبی و وابستگی کامل دولت‌های محلی نیز وجود دارد و با وجود این نظارت، قدرت دولت مرکزی افزایش یافته و حرکتی دیگر به سمت تمرکز به شمار می‌رود. حکومت فدرال بر امور حکومت محلی به وسیله شورای ملی نظارت می‌کند. شورای فدرال تحت مشروطیت فدرال است.</p> <p>- در صورت اختلاف میان ایالات و یا بین دولت فدرال و یک ایالت، همچنین در مواردی که میان مجامع قانونگذاری با یکدیگر و یا با مجلس نمایندگان فدرال، اختلافی وجود داشته باشد، دادگاه فدرال مرجع رسیدگی است.</p>

کشور	مدل مدیریت شهری	اعضای مدیریت شهری و تعاملات آنها	نحوه انتخاب شهردار	چگونگی کنترل و برکناری اعضای مدیریت شهری
کره جنوبی	شورا - شهردار قوی	<p>- در این کشور شهردار و شورا مستقیماً توسط مردم انتخاب می شوند. در این مدل، شهردار، بازیگری سیاسی است که وظایف اجرایی نیز دارد. این الگو در حقیقت بیانگر جایگاهی مشابه ریاست جمهوری برای شهردار در سطح شهر است.</p>	- مستقیم	<p>- مدیران اجرایی سطح عالی و سطح پایین به وسیله رأی مردم برای یک دوره چهارساله انتخاب می شوند. اعضای شوراهای محلی سطح پایین تر بارأی مستقیم مردم و برای یک دوره چهارساله انتخاب می گردند.</p>
			<p>- شهرداران برای دوره‌ای 4 ساله با رأی مستقیم شهروندان انتخاب می شوند.</p>	<p>- مدیر اجرایی اختیار کنترل تمامی امور اداری را در قلمرو حکومت محلی دارد. این امور عبارتند از: تنظیم خطمشی و اجرا، مدیریت پرسنلی و مالی، مهندسی مجدد سازمانی و غیره. همچنین مدیر اجرایی از قدرت حق و تو در مقابل تصمیمات شورای محلی برخوردار است.</p>
			<p>- اگرچه شورای شهر بر دستگاه شهرداری نظارت دارد، ولی این شهردار است که رئیس دولت محلی شناخته می شود.</p>	
ایران	شورا - شهردار (مدیر شهر)	<p>- در ایران، انتخاب اعضای شورای توسط مردم محل انجام می شود. این شورا علاوه بر اجرای وظایف محول شده، انتخاب شخصی واجد شرایط را برای امور اجرایی شهر برعهده دارد. این شکل حکومت محلی به شورا اختیار کامل می دهد تا هر فردی را، هر چند که ساکن آن محل نباشد (در صورت احراز شایستگی) به مدیریت شهر برگزیند که این فرد را "مدیر شهر" می گویند</p>	- غیرمستقیم	<p>- شورا کنترل خط مشی را در دست خود نگاه می دارد.</p>
		<p>- شهرداری به عنوان سازمان عمومی و غیردولتی، مجری مصوبات و تصمیمات شورای شهر است؛ به غیر از اموری که به صراحت قانون خارج از اختیارات شورا بوده و مصوبه شورا را ملزم به موافقت و تأیید سازمان‌های دولتی مینماید.</p>		<p>- تصمیم گیری در خصوص انحلال شورای شهر بعد از تصمیم گیری در هیئت حل اختلاف مرکزی متشکل از نمایندگان قوه مجریه، قضاییه و مقتنه و نمایندگان شورای عالی استان ها صورت می گیرد و قابل اعتراض در دادگاه صالحه است.</p>

جدول 4، در سطح چهارم مقایسه، جایگاه و وظایف شهرداری و شورای شهر را مورد بررسی قرار می دهد.

جدول 4: مقایسه‌ی جایگاه و وظایف شهرداری و شورای شهر در چهار کشور مورد مطالعه

کشور	جایگاه و کلیات وظایف شهرداری	جایگاه و کلیات وظایف شورای شهر
ترکیه	<p>- شهرداریها در ترکیه از سه ارگان تشکیل شده اند. شورا، کمیته اجرایی و شهردار. شهردار، برای مدت پنج سال به طور مستقیم انتخاب و ریاست تشکیلات شهرداری را به عهده میگیرد. نقش شهردار دوگانه است: شهردار ریاست تشکیلات محلی را به عهده دارد و از سوی دیگر از جانب دولت مرکزی انجام پاره ای وظایف را میپذیرد. شهرداران در مقابل دولت استقلال عمل دارند. شهرداری‌ها ارگان های اصلی در سیستم دولت محلی ترکیه هستند. یکی از وظایف اصلی شهردار، تهیه برنامه بودجه شهرداری و ارسال به شورای شهر است.</p>	<p>- وظایف شورای شهر عبارتند از: - بررسی و تصویب بودجه شهرداری، - ارتقای شهرنشینی و دید شهروندی، - حفاظت از حقوق ساکنان، - مراقبت از محیط زیست، - همبستگی اجتماعی، - شفافیت، - مشارکت، - عملکرد پایدار سازوکار کنترلی - شورای شهر همچنین تعیین تعرفه‌ها و هزینه‌های حمل و نقل، قیمت کالاها، میزان جرایم شهری و بازرسی را بر عهده دارد و در مورد استخدام، اخراج و ترفیع کارکنان شهرداری تصمیم می گیرد.</p>

کشور	جایگاه و کلیات وظایف شهرداری	جایگاه و کلیات وظایف شورای شهر
مالزی	- در مالزی شهرداری دو نوع وظیفه دارد: دستوری و اختیاری. در حالت دستوری، تمامی وظایف اساسی نظیر جمع آوری زباله، روشنایی خیابانها و فعالیتهای مربوط به بهداشت عمومی و فراهم کردن امکانات برای پارکهای تفریحی شامل می گردد. این خدمات حتماً باید ارائه شود و اولویت یا تأمین بهداشت عمومی است. حال آن که وظایف اختیاری، وظایف توسعه‌ای می باشند.	- وظایف و اختیارات شوراها محدود به قانون می گردد. بر طبق قانون، وظایف و اختیارات کلی شوراها در مناطق شامل توسعه اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی منطقه است. شورا در برگزاری جلسات مشارکتی با مردم، تعامل مناسبی دارد - صلاحیت تصمیمگیری و مقرراتگذاری شوراها بسیار محدود و مقید به تصویب نهاد بالادستی است.
کره جنوبی	- شش دسته عملکردهای دولت محلی به قرار زیر است: 1- کارکردهای مربوط به حوزه قضایی، سازمانی و مدیریتی 2- عملکردهای مرتبط با ارتقای رفاه ساکنین محلی 3- عملکردهای مرتبط با ارتقای بخش های صنعت، کشاورزی، جنگلداری، تجارت و ... 4- عملکردهای مرتبط با توسعه منطقه‌ای و ساخت و مدیریت تجهیزات شهری 5- عملکردهای مرتبط با ارتقای آموزش، ورزش، فرهنگ و هنر 6- عملکردهای مرتبط با پدافند شهری و آتش سوزی.	- شورای شهر قدرت استقلال قانونی برای تصویب، اصلاح و یا مردود شناختن درخواستها و پیشنهادهای شهرداری و همچنین ارزیابی و تصویب بودجه عمرانی مورد تقاضای شهرداری را دارد. از دیگر وظایف شورای شهر می توان به بازرسی از اداره‌های دولتی شهر اشاره کرد. شورای شهر همچنین پیشنهادهای، انتقادات و تقاضای مکتوب شهروندان را بررسی می کند. دیگر وظایف و فعالیت‌های شورا عبارت‌اند از: هزینه‌های اشتراک خدمات شهری، نظارت بر نحوه هزینه کرد بودجه شهرداری، وضع و جمع آوری مالیات‌های محلی، کمیسیون‌ها و اجاره بهایی که جزئیات آن در قانون نیامده و به شورای شهر واگذار شده است.
ایران	طی دو دهه اخیر و با تصویب قانون شوراها در سال 1378، قدرت یکجانبه شهردار در تصمیم‌گیری‌ها و موارد اجرایی تعدیل شده و اعضای شوراها شهر نیز که قدرت و پشتوانه آنها برگرفته از آراء مردمی است، توانسته اند در مسائل مهم مربوط به توسعه شهر مشارکت داشته باشند. به خصوص اینکه طی سال‌های اخیر شورایی‌های محلات نیز در فرایند تصمیم‌گیری و مشارکت مردمی وارد شده اند. در مجموع قدرت و وظایف اجرایی شهرداران در ایران کماکان برتری دارد	- یکی از مهم‌ترین ویژگی‌ها در مورد شوراها، اختیار عزل مستقیم شهردار توسط شورا (و به طور غیرمستقیم توسط مردم) است که مهم‌ترین ابزار شورای شهر برای اعمال نظارت و کنترل بر عملکرد شهردار و به تبع آن شهرداری است. - هرگاه شورا اقداماتی را برخلاف وظایف مقرر یا مخالف مصالح عمومی کشور و یا حیف و میل و تصرف غیرمجاز در اموالی که وصول و نگهداری آن را به نحوی بر عهده دارد انجام دهد به پیشنهاد فرماندار و طرح موضوع در هیأت حل اختلاف استان و تصویب هیأت حل اختلاف مرکزی منحل می گردد.

## 7- نتیجه‌گیری

مطالعه و مقایسه تطبیقی بین چهار کشور ترکیه، مالزی، کره جنوبی و ایران نشان داد که روند اصلی مدیریت شهری در این کشورها انجام امورات شهری با مشارکت حداکثری توسط شهروندان چه در بعد انتخاب و مهم‌تر از آن در بعد نظارتی است. اگرچه انتخاب الگوی مدیریت شهری در این کشورها تابع شرایط سیاسی، جغرافیایی، اجتماعی و تاریخی آنها نیز خواهد بود. هم‌اکنون در کشورهای ترکیه و مالزی که در بُعد فرهنگی و سیاسی تشابهات محسوسی با کشور ایران دارند، شهرداری‌ها به عنوان یک نهاد مردمی و اجتماعی، ظرفیت همکاری عظیم و جلب مشارکت بخش‌های مردمی و خصوصی را به نحو مناسب برای ایفای بهتر وظایف خود بکار گرفته‌اند و به این ترتیب خود را از یک سازمان کاملاً خدماتی به یک نهاد اجتماعی تبدیل نموده‌اند. در کشور ایران که با سیستم حکومت متمرکز اداره می‌شود، مدیریت شهری دارای استقلال نیست و از طرف دولت مرکزی در امور آنها نظارت و مداخله می‌شود؛ یعنی این نوع تشکیلات اداری را نمی‌توان حکومت محله‌ای دانست بلکه این تشکیلات نوعی سازمان محلی هستند. مدیریت شهری به شکل سنتی با توجه به پیچیده‌تر شدن مسائل و مشکلات شهری، دیگر نمی‌تواند پاسخگوی اداره امور و مدیریت شهر باشد. با توجه به تحلیل‌های فوق و از آنجاکه مدل مدیریت شهری در وضع موجود نمی‌تواند استقلال عرصه مدیریت شهری را حفظ نماید و پاسخگوی مسائل شهری باشد باید از مدلی برای اداره امور شهر در ایران استفاده نمود که استقلال حوزه مدیریت شهری را از حوزه مدیریت و قدرت کلان ضمانت نماید و باعث به وجود آمدن نهادهای مدنی و تشویق مشارکت‌های مردمی گردد و در نهایت از همین طریق می‌توان مانع ایجاد قدرت گروه‌های قدرت سیاسی سطح ملی در عرصه مدیریت شهری شد.

افزایش قدرت مشارکت شهروندان در عرصه مدیریت شهری یکی از مهم‌ترین اصولی است که در جامعه ایران نیز باید تمرکز بیشتری بر آن شود. پیش‌شرط مشارکت شهروندان با غیرمتمرکز گرداندن و تمرکززدایی ساختار سازمانی شهرداری آغاز می‌شود. در بُعد مشارکت، شهرداری نیاز به ایجاد ساختار مشارکتی دارد که در آن عموم شهروندان در فعالیت‌های شهری که مستقیم یا غیرمستقیم بر زندگی آنان تأثیر دارد دخالت نمایند. این ساختار باید بدنبال ظرفیت‌سازی در همه اقشار و طبقات جامعه، توانمندسازی و میزان مداخله آن‌ها داشته باشد. در انتها پیشنهاد می‌گردد در مدل مدیریت شهری ایران نیز شهردار توسط شهروندان به صورت مستقیم انتخاب گردد تا بر این اساس، شهردار علاوه بر اینکه به نمایندگان مردم پاسخگو باشد، مسئولیتی نیز در قبال اقدامات اجرایی خود در برابر مردم داشته باشد.

## منابع

- احمد آخوندی، عباس؛ برک‌پور، ناصر؛ اسدی، ایرج؛ بصیرت، میثم و طاهرخانی، حبیب‌الله (1387). «آسیب‌شناسی مدل اداره امور شهر در ایران»، *مجله پژوهش‌های جغرافیایی*. شماره 41(63)، 135-156.
- اشرف، احمد. (1353). «ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی». *نامه علوم اجتماعی*. شماره 4، 7-49.
- اقبال آشتیانی، پیرنیا، باستانی پاریزی، عباس و حسن و محمد ابراهیم. (1387). *تاریخ ایران: تاریخ مفصل ایران از صدر اسلام تا انقراض قاجاریه*. تهران: انتشارات علم.
- ایمانی جاجرمی، حسین. (1389). «حکومت محلی در ترکیه نیازمند اصلاحات». *شهرداری‌ها*. سال دوم. شماره 24.
- براتی، ناصر (1390). *امکان‌سنجی انتخاب مستقیم شهرداران توسط مردم با تأکید بر مطالعات نظری و تطبیقی*. مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، تهران.
- بهادری، علی، ولی پور، حمیدرضا. (1398). «تأملی بر مسئله شهر و شهرنشینی در دوره هخامنشی در فارس مرکزی». *مجله مطالعات باستان‌شناسی*، 11(2)، 19-36.
- ترابی، علیرضا. (1383). «مدیریت پایدار شهری در گرو حکمرانی خوب». *شهرداری‌ها*. سال ششم. شماره 69.
- حائری، وحید (1394). «کندوکاوی ساختاری در مساله حق بر شهر». *نشریه هفت شهر*، 4(50)، 165-182.
- حبیبی، سیدمحسن. (1375). *از شار تا شهر*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حکمت نیا، حسن و میر نجف موسوی. (1386). «سنجش میزان و عوامل مؤثر بر رضایتمندی شهروندان از عملکرد شهرداری (مطالعه موردی: شهر یزد)». *مجله جغرافیا و توسعه*. سال پنجم. شماره. 181-208.
- خالدیان، ستار؛ کریمیان، حسن؛ پوراحمد، احمد و مظاهریان، حامد (1393). «تبیین جایگاه اسلام در روند شهرنشینی و سازمان فضای شهری ایران». *مجله مطالعات شهر ایرانی - اسلامی*، 17، 5-18.
- رضویان و سعیدی فرد و صالحی، محمدتقی، فرانک، منا. (1392) *مدیریت شهری در جهان*. مشهد: انتشارات دانشگاه صنعتی سجاد.
- رفیع‌پور، فرامرز (1376). *توسعه و تضاد: کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

- ساسان پور، شهرزاد و مفتخری، حسین (1390). «دگرگونی نظام قشربندی اجتماعی در ایران از سقوط ساسانیان تا پایان امویان». *تحقیقات تاریخ اجتماعی*، 1(1)، 79 - 96.
- سعیدی رضوانی و همکاران، نوید. (1392). *مدیریت شهری: بررسی تطبیقی نظام مدیریت شهری در کشورهای نمونه*. تهران: انتشارات تیسرا.
- شرکت خدمات ایرانیان. (1389). *امکان سنجی انتخاب مستقیم شهرداران توسط مردم در ایران*. تهران: انتشارات مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران.
- شیعه، اسماعیل (1382). «لزوم تحول مدیریت شهری در ایران». *مجله جغرافیا و توسعه*. شماره 1. صص 37-62.
- صرافی، مظفر (1379). «مفهوم و مبانی مدیریت شهری». *فصلنامه مدیریت شهری*، 1(2)، صص 68-81.
- علوی تبار، علیرضا (1379). *مشارکت در اداره امور شهرها: بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (تجارب جهانی و ایران)*. انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، تهران.
- کُردی، زینت خاتون و کُردی، طاهره (1395). «نقش سادات و علما در حقوق شهروندی عصر صفویه». *فصلنامه حقوق ملل*، 6(23)، 65-80.
- مرتضوی، مهدی. (1392). *مدیریت محلی و حکمروایی شهری*. تهران: انتشارات مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران.
- محمودی خوشرو، امید. (1389). «بررسی کارایی شهرداری‌های استان کردستان با استفاده از روش تحلیل پوششی داده‌ها». *فصلنامه مدیریت صنعتی*. سال پنجم. شماره 13. صص 103-120.
- محمود آبادی، سید اصغر، قائم مقامی، سید محسن. (1388). «بنیاد شهروندی در شهر فرنگ‌های ایران عهد سلوکیان». *پژوهش‌های تاریخی*، 1(4)، 1-20.
- ملازاده، مهدی و شهریور روستایی. (1388). «نقش شهرداری الکترونیکی در گسترده‌گی شهری با استفاده از داده‌های سنجش‌ازدور و سیستم اطلاعات جغرافیایی (مورد: مرد)». *فصلنامه مدیریت شهری*. شماره 23. صص 7-16.
- مقیمی، محمد. (1388). *اداره امور حکومت‌های محلی*. تهران: انتشارات سمت.
- میرغلامی، مرتضی؛ پورجعفر، محمدرضا و میثاقی، سید محمود (1398). «ارزیابی تطبیقی نظام برنامه‌ریزی و برنامه‌ریزی فضایی ایران با مصر، عربستان، ترکیه و مالزی». *مجله برنامه ریزی و آمایش فضا*، 23 (3)، 1-41.
- نوروزی، کامبیز (1380). *بررسی قانون شهرداری، جلد اول: مبانی نظری و مفاهیم پایه*. تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
- هاشمی و همکاران. سید مناف. (1390). *سیاست‌های مدیریت شهری در کشورهای مختلف*. تهران: انتشارات طحان.
- Choi, J., Choe, C., & Kim, J. (۲۰۱۲). *Local government and public administration in Korea*. LOGODI: Local Government Officials Development Institute.
- Lee, Y. O., & Park, H. W. (۲۰۱۳). *E-campaigning versus the Public Official Election Act in South Korea*. In Aslib Proceedings. Emerald Group Publishing Limited.



- Kartal, N., Tuncel, G., & Göktolga, O. (2019). «Local Governments and Government of Cities in Turkey». *Journal of Public Administration and Governance*, 9(1), 1-22.
- Kim, S., & Lee, J. (2019). «Citizen participation, process, and transparency in local government: An exploratory study». *Policy Studies Journal*, 47(4), 1026-1047.
- Campbell, J. W., Im, T., & Jeong, J. (2014). «Internal efficiency and turnover intention: Evidence from local government in South Korea». *Public Personnel Management*, 43(2), 209-222.
- Sylvester, K. M. (2010). *Public Participation and Urban Planning in Turkey: The Tarlabasi Renewal Project*, Doctoral dissertation, University of Cincinnati, USA.
- Nurudin, S. M., Hashim, R., Rahman, S., Zulkifli, N., Mohamed, A. S. P., & Hamik, S. A. (2019). «Public participation process at local government administration: a case study of the Seremban Municipal Council, Malaysia». *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 311, 505-512.
- Polatoglu, A. (2000). «Turkish local government: The need for reform». *Middle Eastern Studies*, 36(4), 156-171.
- Osman, M. M., Bachok, S., Bakri, N. I. M., & Harun, N. Z. (2014). «Government delivery system: effectiveness of local authorities in Perak, Malaysia». *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 153, 452-462.
- Goktolga, O. (2016). «A Local Governance Experience in Turkey, From “Local Agenda 21” s to the City Councils». *Birey ve Toplum Sosyal Bilimler Dergisi*, 6(2), 107-128.

## **Comparative Comparison of Urban Management Model in Iran, Turkey, Malaysia and South Korea with Emphasis on Urban Management Challenges in Iran**

### **Abstract**

Urban management in Iran is not interconnected with urban planning. Unfortunately, in our country, most urban management measures have been taken from above and out, which now require a move from the bottom and from within to solve the challenges. The urban management model, the country's major political system and national laws have a significant impact on the type of local government and the power of urban management institutions. Accordingly, in this study, the two countries of Turkey and Malaysia were chosen because of the cultural, religious, political, and the South Korean proximity due to the convergence of the beginning of national development and the type of political system of the same type. With regard to the comparative comparison, the main goal of urban management in these countries is to carry out urban affairs with maximum democracy by creating citizen participation both in the dimension of choice and then in monitoring. Urban management in Iran is not autonomous and can not be answered in the current state of affairs. Urban issues. Therefore, a model for city affairs in Iran should be guaranteed to guarantee the independence of the city administration from the field of management and macro power, creating civil institutions and encouraging popular participation, and ultimately preventing the creation of the power of political parties at national level in the field of management Became a city.

**Keywords:** Urban Management, Comparative Comparison, Power, Participation